

سخني با منتقدان در باره ناقدان كتاب واژگان تركي در فارسي

محمدصادق نايبي

nayibi@Duzgun.net

انتشار كتاب «واژگان زبان تركي در پارسي» و ارائه متن اين كتاب توسط پايگاه اينترنتي تريبون و در ادامه در سايتهاي ديگر مانند آزيبلتوپ ، واكنشهاي بسيار تندي از جانب معدودي قلم به دستان پان فارسيسم داشت كه افكار و ايده ها و بهتر بگوئيم ، هتاكها و فحاشي هاي اين قلم به دستان ، در سايتهاي چون گفتمان ، مرداوچ ، ايران باستان و ... با آب و تاب بصورت گسترده اي ارائه شد. در مورد اهانات و فحاشيهاي گستاخانه اين افراد به حقير و سايت تريبون و زبان تركي و تركها و ... مي گذرم چون قلم تركها در نشريات و سايتها و كتابها مانند خودشان داراي پشتوانه حجب و حياء و درك و شعور است و ياره سرائي هر گستاخي را با ياره سرائي پاسخ نمي دهند. اما نقد به اصطلاح علمي آنها را بي پاسخ نمي گذارم هرچند كه پاسخ بعضي نقدها و ابهام افكني هاي آنها ، «پاسخ محكم سكوت» باشد.

اين افراد تقاضاي حقير در ابتدائي كتاب مبني بر ارائه اشكالات و خطاهاي ادبي كتاب را نخوانده اند و توصيه دكتور صديق در مقدمه كتاب مبني بر بررسي موشكافانه اين كتاب و نقد آن به دور از تعصبات را نديده اند و متأسفانه چنان از چاپ كتاب و نشر آن در سايت تريبون برافروخته و برانگيخته شده اند كه عقل از كف داده و با بي حرمتي به قوم كهون و نجيب و تاريخساز ترك ، همه چيز را به باد ناسزا داده اند. نقد اين افراد چنان بي پايه و سست است كه تصور سوادي بالاتر از خواندن و نوشتن براي اين افراد چيزي در حد محال است. اين افراد با ابتدائي ترين اصول ادبي بيگانه بوده و براحتي 100 تا 100 تا از لغات اين كتاب را كنار گذاشته و نهايتاً نتيجه!! مي گيرند كه تنها 15 كلمه تركي در فارسي وجود دارد. حال آنكه كتاب حقير ، در حوزه تحقيقات ، مطالعات و حوصله ام بود و بعد از چاپ كتاب به يافته هاي جديدي دست پيدا کرده ام كه در چاپ جديد كتاب ، ارائه خواهم كرد. خواهيم ديد كه 1500 واژه اصيل و ناب تركي در پارسي وجود دارد كه با در نظر گرفتن مشتقات و تركيبات آنها ، تعداد واژگان تركي در پارسي به رقمي در حدود ده هزار (10/000) واژه خواهد رسيد .

حال نگاهی داشته باشيم به معدودي از مثلاً نقادي هاي اين افراد:

1. اينكه «اعلام خاص را نبايد بياورند» معلوم نيست اين «نبايد» از روي چه اجباري است؟! آيا يك ايراني نبايد بداند «سلجوق ، قزلباش و ...» يعني چه؟ يعني مهم نيست بدانيم صدها سال تاريخ ايران و اصطلاحات رايج در حكومت تركان چه مفهومي داشته اند؟
2. اينكه «مشتي نامههاي بد آهنگ تركي مانند: آيدا ، آيلا ، آتالا ، آيتك ، آيدين ، بابك ، اتابك ، اميد ، آيمان ، آيسان ، آرمان ، آيلين و ...» هم بايد از كتاب حذف گردد ، معلوم نيست اين بد آهنگي ناشي از بد كوك كردن ساز است يا ناشي از ناميزان فركانسهاي شنوائي گوشهاي منتقد. آنچه واضح و مبهرن است ، اينكه اين اسامي جزو پر طرفدار ترين نامهها در جامعه ايراني است و غالباً ترجيح مي دهند بجاي نامههاي فارسي مانند: «خشايار ، كامبيز ، رستم ، كاوس ، سهراب ، بيژن پرويز و ...» از اين نامههاي تركي استفاده كنند. باور نمي فرمائيد سري به اداره ثبت احوال بزنيد.
3. اينكه «اصطلاحات نظامي مانند قشون ، آتيش باي ، بكتاش ، يوز باشي ، بنچاق ، پاشا ، چاپار ، داروغه ، سرجوخه ، يراق ، ياسا ، پدك ، قرق و ... در دوره حكومت تركان و باج خواهي آنها از مردم بوجود آمده است» چنين مي رساند كه منتقد محترم ، در تاريخ هم صاحب نظر است. من كه در اين مورد بي سوادم.
4. منتقدي ديگر ، كلمات كتاب را با سبزي اشتباه گرفته و با قيچي كردن كلمات بصورت 100 تائي ، هر از چند گاهي ، بدون ارائه كوچكترين مدرك و دليلي مي گويد: بدین ترتیب این 100 واژه (مثلاً اصطلاحات نظامی) نیز باید حذف گردد!! نهايتاً به 350 واژه تركي در فارسي مي رسد كه قابل انكار!! نيست و آنرا دو دستي به مغولي نسبت مي دهد و تنها 15 واژه در فارسي را ريشه گرفته از تركي آذري مي داند. معلوم نيست اين 15 واژه را براي چه حذف نكرده اند تا خيال خواننده را راحت كنند.
5. يكي از منتقدان افاضات زير را رسانده و بدون ارائه مدرك و دليل با مسخره و استهزاء 250 واژه از كتاب را خط مي زند. بدون پاسخ به اين منتقد ، لطفاً نقد ايشان را كامل بخوانيد: «۲۵۰ واژه از اين ۱۰۰۰ واژه ناب! تركي را مي آورم تا ببينيم كه سواد و دانش زبان شناسي پان تركها تا كجاست! آيينه ، آباد ، آيين ، آتش ، آذربايجان ، آرزو ، آرمان ، ارگ ، ارمان ، آريا ، آز ، استاد ، آستان ، آستر ، آغاز ، الك ، الگو ، اميد ، برك ، پايپاي ، كوچك ، كودك ، گلين و خب پس تا اينجاي كار كه نزديك به ۲۵۰ واژه برابر با ۲۵٪ يا يك چهارم واژگان كتاب ارجمند! ۱۰۰۰ واژه تركي در پارسي» از بنياد پارسي اند! ولي نه! گمان نكنيد كه با واژه دزدي اين دو استاد زبانشناس (نايبي و استاد صديقشان!) پارسي ما پايان مي يابد! نه .! بدین سان تاكنون كم و بيش چيزي برابر ۵۰۰ واژه در كتاب هستند كه از بنياد تركي نيستند! به ديگر سخن نيمي از واژگان كتاب بدست نايبي بيسواد و استاد بيسوادترش دزديده شده اند!». خوانندگان عزيز ملاحظه مي كنند كه نقد منتقدان چقدر متعصبانه و جاهلانه است. معلوم نيست چرا 250 واژه از اين دست

براحتي با مسخره و تحقير کنار گذاشته مي شود. من كه ريشه تمام واژگان فوق را در كتاب آورده ام. اگر رد مي كنيد كه الك (از مصدر اله مك = غريال كردن) يا بزك (از مصدر بزه مك = آراستن) تركي نيست ، چطور اثبات مي كنيد كه اينها فارسي است؟ از طرفي من هم بايد براحتي بگويم: آرايش (از مصدر آراستن) فارسي نيست. تركي است! مشكل اين افراد غير از تعصب كورشان به زبان فارسي ، تك زبانه بودنشان است يا حداقل ناآگاهي آنها از ظرافت و هنرمندي زبان تركي. اين مشكل را حتي صاحبناماني چون مرحوم دكتور معين هم داشت و در لغتنامه وزين و ارزشمندشان ، خطاهاي فاحشي از اين ناحيه مرتكب شده اند.

6. منتقد با فهم و شعور ديگري مي فرمايد: «يكي از روشها و ترفندهاي راهبردي گروهها و باشندگان پان تركيست همانا كوبيدن و خوار داشتن زبان و فرهنگ شكوهمند و درخشان پارسي مي باشد. يكي از اينانجانبان پژوهشگر و زبان شناس بزرگ!! «محمد صادق نائبي» مي باشد. ايشان كه پيشينه سالها شاگرددي در پيشگاه استاد پان ترك «محمدزاده صديق» را داشته اند ، درخستين كار پژوهشي خود كتاب «يكهزار واژه اصيل تركي در پارسي» را نوشته اند. من اين را از روي پي ورزي و باورمندي و يكسونگري نمي گويم . براي نمونه و براي اينكه دريابيد كه اين بزرگوار!! تا بكجا بر آيين پان تركيستي خود پايشاري مي كند و خواهان جستن آميغ نيست ، اين بخش از ديپاچه اي را كه خودش در پايگاه تريبون نوشته ، بي كم و كاست مي آورم. ايشان در يايوه سرايي خود مي گويد: بيش از ۴۰٪ واژگان زبان ايتاليائي ، ۲۰٪ انگليسي و ۱۷٪ آلماني وام گرفته از تركي مي باشد». البته حقير اين اعداد و ارقام را از وهم پروري خود نياورده ام بلكه بزرگترين زبانشناسان اروپا در مؤسسه A.M.T در گزارش ساليانه سال جاري ميلادي آنرا منتشر نمودند. بله! باز ادعا مي كنم: زباني در دنيا نيست كه تاثيرپذير از تركي نباشد. زبان تركي بعنوان كهنترين و ظرفيترين زبان دنيا كه متكلمين آن هزاره هائي چند بر شرق و غرب عالم حكومت رانده اند ، در همه زبانها و فرهنگها رد پائي دارد .

7. باز انتقاد شده است كه: «ايشان مي گويد: دومين آوند رخنه واژگان تركي به پارسي «تركان پارسي گوي» بوده اند!! به خواننده يادآور شوم كه اين تركان پارسي گوي آن چامه سرايان بزرگواراي هستند كه در ايراني بودن آنان و پارسي بودن آنان جاي كوچكترين گمانني نيست». البته در مورد ايراني بودن اين افراد هيچكس شك ندارد ، اما پارسي سرودن اين افراد دليل بر پارس بودن آنها نيست. كذا اينكه شهريار و پروين اعتصامي را لافل به ياد داريم كه ترك بودند و پارسي هم مي سرودند. مولوي بعنوان سرآمد تركان پارسي گو بود كه در زبان مادري خويش هم ، مكتب و روشي خاص دارد . همانطور كه شهريار در زبان مادري خويش صاحب روش بود .

8. منتقدي مي گويد: «آيا تا كنون كسي را مي شناخته ايد كه چنين شيوا و زيبا پارسي را بستايد؟ فردوسي بزرگ را به مزدوري و صله خواري شاهان مي خواند!! زبان پارسي را مي توان شيرين ترين و گواراترين زبانها دانست. اين آميغي است كه نه تنها ما ايرانيان بلكه همه مردمان سراسر گيتي بدان گواهي مي دهند. بهترين نمونه اي كه مي توانم در اين باره بگويم رويكرد گسترده مردمان كشورهاي گوناگون جهان به نام هاي پارسي است». البته اينكه زبان پارسي را مي توان شيرين ترين و گواراترين زبانها دانست ، ادعائي مضحكي است. شيريني و گوارائي در زبان ، پارامترهائي دارد كه زبان پارسي فاقد آن است. از آن جمله مي توان اشاره داشت به: ضد آوا بودن زبان فارسي ، رنج فراوان از بي فعلي ، دست درازي پيش زبانهاي ديگر براي استقراض واژه ، ريشه نداشتن واژگان ، عدم توانائي در واژه سازي ، غيركاربردي بودن بجز در شعر و خطابه و غالب متون علمي و غيرشعري ايرانيان به زبان عربي است. چرا ابوريحان ، بوعلی سینا ، فارابي و ... متون علمي و افتخارانگيز خود را پارسي نگفتند و عربي نگاشتند؟ آيا آنها به اندازه ما به شيريني و توانائي زبان پارسي واقف نبودند؟ آيا آنها هم بي سواد! بودند و از باشندگان! پان عربيست بودند؟ ضمنا در مورد رويكرد عظيم جهاني! به زبان قندين پارسي! حضورشان بايد عارض باشم كه طبق اطلاعات ماه گذشته وزارت علوم ، مجموعا در دانشگاههاي دنيا 300 نفر به تحصيل در رشته زبان و ادبيات پارسي مشغولند كه غالبا خودشان ايراني و پارس زبان هستند و تنها 20 الي 30 نفر از آنها غيرپارس هستند كه البته در مورد انگيزه آنها نيز كنكاش بيشتري بايد صورت گيرد. اين ارقام در مورد زبان گسترده و توانمند تركي بسيار بالاست .

9. منتقدي بي خبر از ضرب و تقسيم رياضي با مغلظه و سفسطه چنين ادعا کرده است كه زبان شكرين پارسي قابليت ساختن حداقل! ربع ميلياردي (226/525/000) واژه!! را بصورت قانونمند دارد. جمع و ضرب ايشان را مرور مي كنيم تا كمی بخنديم: «مي دانيم كه زبان پارسي از جمله زبانهاي هند و اروپايي مي باشد. در همه شاخه هاي اين خانواده شمار ريشه ها از 1500 بيشتر است. اكنون ما مي آييم و همين شمار دست كمی را برمي گزينيم. در زبان پارسي همچنين ۲۵۰ پيشوند و ۶۰۰ پسوند هست كه با پيوند آنها به ريشه ها مي توان واژه هاي نويني ساخت. شمار واژگاني كه با روش پيشوند + ريشه ساخته مي شوند: ۳۷۵,۰۰۰ = ۲۵۰ * ۱۵۰۰ مانند: بي + هنر = بي هنر. شمار واژگاني كه با روش ريشه + پسوند ساخته مي شوند: ۹۰۰,۰۰۰ = ۶۰۰ * ۱۵۰۰ مانند: آموز + گار = آموزگار. شمار واژگاني كه با روش پيشوند + ريشه + پسوند ساخته مي شوند: ۲۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۵۰ * ۶۰۰ * ۱۵۰۰ مانند: نا + ساز + گار = ناسازگار. اگر اينگونه در نگر بگيريم كه تنها ۵۰۰ تا از آن ۱۵۰۰ واژه ريشه اي با ۵۰۰ واژه ديگر بياميزند ۲۵۰,۰۰۰ = ۵۰۰ * ۵۰۰ واژه نو پديد خواهد آمد. بدین سان شمار پايين واژگان پارسي چنين خواهد شد : ۲۲۶,۲۷۵,۰۰۰ = ۲۲۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۹۰۰,۰۰۰ + ۳۷۵,۰۰۰. اكنون اگر شمار آن واژگاني را كه گفتيم را نيز بدان بيافزاييم به ۲۲۶,۵۲۵,۰۰۰ واژه خواهد رسيد». ملاحظه كنيد كه بحث رياضي چقدر آسان و روان است. براحتي 1500 در 250 ضرب شده و حاصل ، در 600 ضرب مي شود و ... البته اگر تورم 100% ي را هم در نظر بگيريم ، اين رقم به مرز نيم ميلياردي واژه خواهد رسيد. يعني زبان شكرين و قندين پارسي تقريبا به اندازه تمام زبانهاي جهان مي تواند واژه توليد كند و اين افتخاري براي ماست. نمي دانم مخاطبان اين سايتهاي متعصب و كور چه كساني هستند؟ ولي همه واقف هستند كه تمام اين ريشه ها (1500) الزاما به تمام پسوندها (600) و يا پيشوندها نمي چسبند (هرچند تعداد ريشه و پسوند و پيشوند مذکور جاي بحث دارد). مثلا چه كسي ديده كه ريشه «پنجره»

به پسوند «گار» بچسبد و واژه جدید «پنجره گار»!! را بیافریند؟ خصوصا که با پیشوند «بی» هم ادغام گشته و واژه جدید «بی پنجره گار» را خلق نماید. البته زبان شکرین پارسی چنان بی حساب و کتاب است که بعید نمی نماید اینگونه کلماتی هم بوجود بیاید حتی اگر معنی نداشته باشد. آنچه ما می دانیم این است که فعلا تعداد واژگان زبان پارسی با تمام مشتقاتشان و با تمام استقراضهای خود از زبانهای عربی و ترکی و انگلیسی و ... به 100/000 واژه نمی رسدو اگر تعداد کل واژگان و مشتقات سره و ناب پارسی را در نظر (برای خوشایند این افراد بخوانید نگر!) بگیریم ، تعداد کل واژگان پارسی به ده هزار هم نخواهد رسید که بیست - سی هزار برابر!! با عدد فوق فاصله دارد.

خوانندگان عزیز ، حرفهای سانسور شده و خیلی تعدیل یافته این سایتها و افراد را ملاحظه نمودند. این سایتها و افراد با پشتوانه محکم مالی همیشه انگ تعصب و پان ترکیستی به ما زده اند و خود را بری از تعصب دانسته اند. باز احتمال خوش بینانه این است که این افراد حتی معانی «تعصب» و «پان» را متوجه نشده اند چون دقیقا عکس این مفاهیم را استفاده می کنند.

<http://www.kitablar.org/>
<http://www.kitablar.org/>